

سیاه مشق عشق

در گفت‌و‌گوبا «سیف‌آبادی» که به تازگی یک نمایشگاه خطاطی بر گزار کرده و آثارش هم در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه کاربران جوان قرار گرفته از راه ورسم هنر خوشنویسی، کسب درآمد از آن وحس خوب هنر گفتیم

ZENDEGI-SALAM

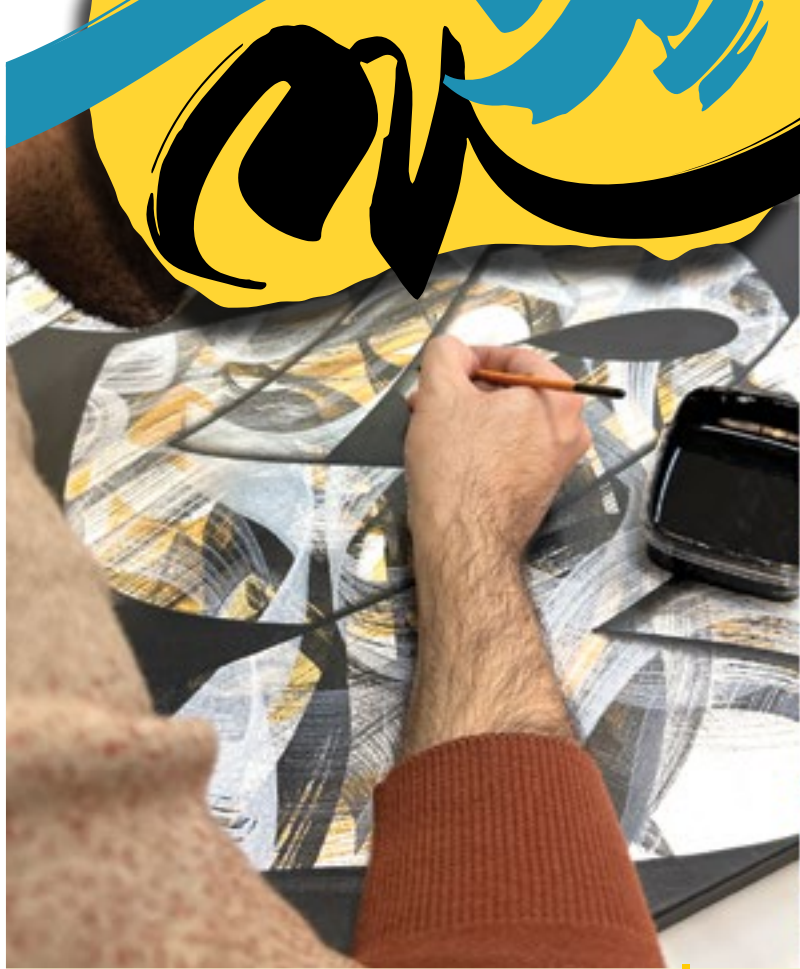
ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۳

۲۵ شعبان ۱۴۴۶ • ۲۴ فوریه ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۱۵

۲۹۳۴



شایان اله آبادی | روزنامه‌نگار

پرونده

خوشنویسی هنری است که با ما ایرانی‌ها عجین است؛ چه وقتی می‌خواستیم ادعیه را زیبا بنویسیم؛ چه زمانی که حکمت بزرگان ادب پارسی را در قالب هنر می‌آوردیم. از دل خطاطی هنرهای دیگری هم بیرون آمده و این روزها با رونق شبکه‌های اجتماعی، زمینه برای دیده شدن این هنر توسط افرادی چون استاد «سیف‌آبادی» بین جوانان و آموزش‌شان فراهم شده است. صحبت از این هنر که می‌شود اولین سر مشق خط دوران مدرسه را همه ما به یاد داریم؛ صدای روح‌نواز و خاطر‌هانگیز قلم با سیاهی مرکب در هم می‌آمیخت و روی سفیدی کاغذ به کلمات جان می‌داد. یادست‌های کوچک‌مان که سیاه می‌شد از جوهر مرکب، می‌نوشتیم: «ادب آداب دارد»، یادم هست چه خوب حرف «ب» را می‌کشیدیم و این کشیدگی و فراز و نشیب حروف با آهنگ کش‌آمدن قلم خط روی کاغذ به رقص درمی‌آمد و ما را به رویاهای مان می‌برد. بزرگ‌تر که شدیم شاید وقتی صحبت از خوشنویسی می‌شد یاد رضا خوشنویس می‌افتادیم در «هزار دستان»، یادزنده‌یادان علی حاتمی و جمشید مشایخی و موسیقی به یادماندنی هزار دستان که با آهنگ‌سازی استاد چیره‌دستی چون مرتضی حنانه همیشه در خاطره‌ها ماند. تراشیدن قلم خط، صدای قلم بر کاغذ، سیاهی مرکب که گویی این بازی با حروف و جان بخشیدن به کلمات، هنرمند را به ملکوت می‌برد یا اشعار بزرگان ادبیات کشور مثل مولانا، جناب حافظ و سعدی گره می‌زند، حروف را نوازش می‌کند و دستی به مهر بانی بر سرشان می‌کشد و شاید هم نقاشی‌شان می‌کند... امروز با گذشت سال‌ها از خوشنویسان پرآوازه و سرآمد هنر خوشنویسی ایران، «میر عماد»، «میر علی تبریزی»، «درویش میر عبدالمجید» و «سید حسین میرخانی» یاد کرده و با استاد «سیف‌آبادی» هنرمند خوشنام خوشنویسی کشورمان که به تازگی نمایشگاهی را بر گزار کرده و آثارشان در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته گفت‌و‌گویی داریم تا بر ایمان از این هنر ماندگار بگوییم.

مسجد محل، آغاز راه نستعلیق

استاد سیف‌آبادی درباره این که چطور این هنر را شروع کرده و به چه خطوطی آشنایی دارد، می‌گوید: «سال ۷۸ با تایپوگرافی که در حوزه گرافیک هست کارم را شروع کردم و چون به طراحی و چیدمان حروف علاقه داشتم، یکی از دوستان پدرم تالستان همان سال پیشنهاد کرد به مسجد محل که آن‌جا کلاس خوشنویسی برگزار می‌شد، بروم و من کلاس نستعلیق را از مسجد محل شروع کردم و پایان دوره با راهنمایی‌های استاد به انجمن خوشنویسان رفته که نستعلیق را ادامه دهم. ولی به دلیل علاقه زیاد به خطوط مختلف کنار نستعلیق اقلام بسته به خصوص خط ثلث، نسخ، شکسته نستعلیق، دیوانی و حتی ترکیب‌بندی‌های مختلف مثل طغرانیوسی را کار می‌کردم. خط کوفی را هم دوست داشتم و کارهایی کرده بودم بعد با خط کرشمه آشنا شدم. خط کرشمه را با استاد آریامتش که نخ به خط هستند، کار کردم. یک دوره کوتاهی معلی نوشتم؛ یعنی سعی کردم بیشتر خطوط را تجربه کنم و الان تقریباً هفت، هشت سالی هست که طراحی و فرم خودم و خطی را که برگرفته از همه این تجربه‌هاست، انجام می‌دهم.» او درباره این که چرا خط ثلث را بیشتر دوست دارد، می‌گوید: «به ریاضی و هندسه علاقه‌مند بودم و وقتی خطوط را می‌دیدم به دلیل استحکام و قانونمند بودن، خط ثلث را دوست داشتم. با این که نستعلیق کار می‌کردم، سال‌های ۸۰ تا ۸۳ همه مقام‌هایی که در مسابقات دانش‌آموزی به دست آوردم در زمینه خط ثلث بود. من برای یادگیری خط ثلث کلاس نمی‌رفتم و فقط از روی کتاب کار می‌کردم و خطی که الان کار می‌کنم حدود ۷۰ درصد نزدیک به همین اقلام بسته یا خطوط شش‌گانه است که در اصل مادر این خطوط، خط ثلث محسوب می‌شود.»



حاضر من خشک بخورم اما...

این هنرمند درباره آثار فاخر یا ضعیف می‌گوید: «یک جاهایی باید خودمان در مرحله اول قدم‌هایی برداریم که ببینیم به عنوان مثال من چه کار کردم و چه آموزش‌هایی دادم، چقدر تلاش کردم که در بحث خوشنویسی، هنر را به مخاطبان جوری القا کنم که به آن نیاز دارند، چه در بحث تدریس و چه در بحث داشتن یک اثر هنری. پس خودم به عنوان هنرمند باید ببینم آیا کار فاخری انجام می‌دهم یا این که افراد از دیدن اثر من لذت می‌برند و دوست دارند آن اثر را در منزل‌شان داشته باشند و بحث دیگر این است که الان آن قدر کارهای ضعیف و سطح پایین زیاد شده اگر یک در صد افراد به مرور زمان علاقه و حساسیت‌شان نسبت به هنر ضعیف شده باشد به این دلیل است که کارهای ضعیف زیادی دیدند، در نهایت اگر بخواهند یک اثر هنری در منزل‌شان داشته باشند، نمی‌توانند انتخاب کنند. هر چند این آثار با قیمت خیلی پایین‌تر هم ارائه می‌شود. شخص فکر می‌کند که این هنر فاخر است و دوست دارد در منزلش یک اثر هنری داشته باشد ولی نکته این جاست که من به عنوان هنرمند آیا شده‌ام کاری را به هر قیمتی انجام دهم. شده مثلاً نان خشک بخورم ولی به هر قیمتی یک کار ضعیف را به بازار ارائه ندهم.»

هنر جویانم، استاد شده‌اند

استاد سیف‌آبادی از هنر جویانش می‌گوید: «خدا را شکر خیلی از هنر جویانی که نزد ما کار کردند و آموزش دیدند الان برای خودشان کار می‌کنند، هنر جو دارند و آموزش می‌دهند. برخی از آن‌ها در جشنواره‌ها مقام می‌آورند و خودشان نمایشگاه برپا می‌کنند، چه به صورت انفرادی، چه گروهی و نتیجه خوبی گرفته‌اند. البته بودند افرادی که نتیجه نگرفتند و انتخاب‌شان اشتباه بوده یا استعداد، علاقه و پشتکاری نداشته و راه را اشتباه آمده‌اند ولی کسانی که انتخاب درست کرده‌اند، پیشرفت کرده‌اند. الان مد شده است که می‌گویند صفر تا صد تضمینی آموزش می‌دهیم، من به افرادی که می‌گویند آموزش شما تضمینی است، می‌گویم، من آموزش خودم را تضمین می‌کنم ولی آیا من پیشرفت شما را هم باید تضمین کنم؟ بله اگر در این راه انرژی و زمان بگذاری، مستمر تمرین کنی و انگیزه و هدف داشته باشی حتماً موفق خواهی شد ولی کسی که به این موارد توجه نکند تضمین آموزش من به نتیجه بخش بودن کار آن فرد ربطی ندارد.»



هنر پول دارد

می‌گویم بیشتر هنرمندان گلیایه می‌کنند که هنر درآمدی ندارد که سیف‌آبادی جواب می‌دهد: «خیلی‌ها عقیده دارند که هنر پول ندارد ولی من می‌خواهم بگویم آن چیزی که در آن پول نیست، چیزی است که اندیشه، هدف و انگیزه‌ای در آن نیست. اتفاقاً الان در جهان، هنر جزو صنایع پول‌ساز محسوب می‌شود البته در ایران شاید خیلی کمتر این اتفاق می‌افتد یا کم رنگ‌تر است ولی واقعاً در حوزه مالی جای پیشرفت وجود دارد و فرد می‌تواند به درآمد خوبی دست یابد. ولی باید قبول کنیم که در مقوله هنر بعد از گذشت چندین سال زحمت کشیدن و تحمل سختی‌ها می‌توانی به درآمد مطلوب برسی و ممکن است با اهانت‌ها و حتی مسخره کردن دیگران هم روبه‌رو

شوی که مگر یک هنرمند چه کار می‌کند، این چیزی است که از نوجوانی درگیر این موضوع بوده شنیده‌ایم و الان هم حتی شنیده می‌شود. ولی کسی که در کار خودش استمرار و هدف داشته باشد قطعاً به نتیجه می‌رسد. به طور مثال، خود من سال‌ها پیش یعنی از ۱۹ سالگی که تقریباً آموزش را شروع کردم هر درآمدی داشتم از سمت هنر بوده و الان که زندگی تشکیل دادم، دفتر کار دارم، خانه دارم و هزینه‌های زیادی را که در طول ماه می‌دهم همه این هزینه‌ها از سمت هنر صورت می‌گیرد، پس می‌شود به درآمد رسید ولی قطعاً نسبت به بازارهای دیگر، مشقت و زمان بیشتری لازم دارد تا به نتیجه برسی.»

انس با جناب مولانا

او درباره نمایشگاه‌هایی که تا کنون داشته است، می‌گوید: «در طول دوران فعالیت هنری‌ام نمایشگاه‌های زیادی برپا کرده‌ام. نزدیک ۵۰۶ نمایشگاه انفرادی داشتم و در بیش از ۶۰،۵۰۰ نمایشگاه گروهی و ۶۰۰۰۰ شرکت کردم و البته حدود هشت سالی است که نمایشگاه انفرادی نداشتم که اسفند امسال بعد از حدود هشت سال قرار است نمایشگاهی در گالری کاوه برپا کنم. سال ۸۸ یک نمایشگاه مشترک داشتم با همسرم در فرهنگستان هنر صبا و آن نمایشگاه در اصل یک جرقه، یک پله و سکوی پرتابی بود برای دیده شدن. کارها و آثار واقعاً حرفه‌ای بودند. جالب است هنوز هم که هنوز است خیلی از دوستان وقتی ما را می‌بینند به همان سبک کاری ما را می‌شناسند و می‌گویند آن نمایشگاه، یک چیز دیگری بود. با این که نمایشگاه‌های بسیاری برپا کرده‌ایم باز هم آن نمایشگاه حرفی برای گفتن دارد. از آن نمایشگاه با عنوان «حضرت دوست» که با همسرم داشتم خیلی استقبال شد و خیلی خوب دیده شد.»



شد. «برایم جالب است که این استاد خوشنویسی ایران بیشتر از شعر کدام شاعران بهره می‌جوید که توضیح می‌دهد: «ارتباط من بیشتر با جناب مولاناست ولی حتماً از شعرهای جناب سعدی، جناب حافظ و عطار خیلی استفاده می‌برم. در بین شاعران جدیدتر و معاصر هم از شعرهای شاملو و حسین منزوی استفاده می‌کنم.»

همسر خوشنویسم، همراه همیشه‌ام



سیف‌آبادی درباره رضایتش از زندگی می‌گوید: «اگر انسان رزق را از جانب پروردگار فقط مالی نبیند و از نظر روحی و آرامش ببیند این موارد در این مسیری که من رفتم، حاصل شده است. خدا به من لطف داشته و این نعمت‌ها را به من داده و اگر دوباره به گذشته برگردم با تمام سختی‌هایی که این مسیر داشته، همین مسیر را انتخاب می‌کنم، چون واقعاً برای لذت بخش است. البته نکته‌ای که هست همسر من خوشنویس هستند، نقاشی خط کار می‌کنند و همیشه همراه من بوده و هستند. قطعاً یکی از دلایل رضایت من از زندگی همین است و همه این‌ها لطف خدا بوده و برای لطف خدا انسان باید شاکر باشد.»

مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش



استاد برای جوانان هم توصیه‌ای دارد: «با هدف شروع کنند و یک انتخاب درست داشته باشند اگر احساس می‌کنند در اینستاگرام و فضای مجازی یک باره احساس کردند از هنری خوششان آمده ولی حوصله تمرین کردن ندارند، نباید این مسیر را ادامه دهند و برای آن هزینه کنند ولی اگر انتخاب هدفمند داشته باشند باید در این راه صبر کنند و از تمام چالش‌هایی که جلوی راهشان هست با صبر، تحمل و توکل به خدا عبور کنند. به قول جناب حافظ:

ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال
مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش
تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است
راهرو گر صد هنر دارد تو کل بایدش»